



را اجاره کرده‌ام یک لقمه نان در بیاورم، این کار را نکنم چه کنم، بروم دزدی کنم؟

بار را چطور و از چه کسی بخرم؟

از زباله گرد ها، آن‌ها ضعیف هستند، برای همین باید با آن‌ها نقد حساب کنی. یک تومان از دیگران بیشتر بخری، بار را برای تومی آورند. معتاد ها هم که برای ضایعاتی می آورند، تو پانصد تومان هم که بیشتر بخری، او وسایل را همیشه برای تومی آورد.

از کجا بفهمم وسایلی که می آورم، سرقتی نیست؟

یک بار شیر آلانی که آورده بودند سالم بود. از اداره آگاهی که آمدند، شیر را دیدند، گفتند این سرقتی است. گفت من از کجا بفهمم سرقتی است یا نه. در جواب گفتند اگر وسایلی که می آورند شکسته بود، ضایعات است. اما وقتی سالم باشد، به احتمال زیاد سرقتی است.

این کار چقدر سرمایه می خواهد؟

برای سرمایه ابتدایی هر چه پول داشته باشی، کم است. هر چه پول بگذاری وسط، سود می کنی. کارگاهی که می گیری، انگار قلک است و در آن پس انداز می کنی. اینکه گفتیم فضا بزرگ باشد، برای همین است. تو آهن آلات را نگه می داری، هر وقت زیاد شد، می فروشی. با این بازار هم همه اجناس روز به روز گران تر می شود. اما اگر بتوانی با کارگاه های بزرگ تراشکاری که سری کاری انجام می دهند، یا کارخانه هایی که می خواهند آهن آلات بفروشند، ارتباط بگیری، خیلی خوب است. ماشین های بی سند و اسقاطی هم تو را حرکت می دهد. چهار تا کارگر زنگ می گیری، ماشین را با فرزند خردمی کنند و قطعاً تش را می فروشی. اینکه سرقتی هست یا نه، نمی دانیم. کم کم پیچ و خم کار دست می آید. لوازم سالم مانند در و پنجره هم که می خری، عکس می گیری و در دیوار می فروشی.

این وسایل را که گرفتیم، کجا بفروشیم؟ به کارخانه ها؟

نشد دیگر! این کار سلسله مراتب دارد. برای ما که تازه کاریم، شناخت آن ها ممکن نیست. ابتدا باید سواری بدھیم تا متوجه کار شویم. ما هم وسایل را به همان هایی که دیگران می فروشند، می فروشیم. چند دست فروخته می شود تا به دست آن هایی که در این کار استخوان خرده خرده اند برسد، خودشان به کارخانه هایی مانند ذوب آهن و کاغذ می فروشند. به فکر رسیدن به آن مرحله نباش.

● شغلی شبیه طلافروشی

برای اینکه درک بهتری از این شغل داشته باشیم، به بهانه هور شکستگی و تغییر شغل با ضایعاتی ها تلفنی گفت و گو می کنیم. البته کار آسانی نیست و پس از پرس و جو بسیار و پیدا کردن دوست و آشنا می توانیم ارتباط برقرار کنیم.

● گفت و گو تلفنی با آقای م. ک.

می خواهم کارم را عوض کنم، به نظر شما اگر وارد کار خرید و فروش ضایعات بشوم، خوب است؟

اسم خوبی ندارد، اما درآمدش خوب است. ضایعاتی که مردم بیرون می ریزند، طلای کثیف است، از طلا هم بالاتر. فردی را می شناسم که نان برای خوردن نداشت، نمی دانست پراید چیست، اما از وقتی وارد این کار شد، زندگی اش زیر و رو شد. حالا برو بین بچه هایش چه ماشین هایی دارند. حالا یکی دو انبار ضایعاتی بزرگ با اسکول هم دارند. آن آدم وقتی فوت کرد، به جز مستغلاتی که داشت، حدود چند صد میلیارد در حسابش پول بود. چرا از مردم بگویم؛ یکی از بستگان خودم، وارد هر کاری که می شد موفق نبود. الان یک انبار اجاره کرده است، کارتن خواب های را پیش ضایعات می آورند و آن ها را تفکیک و دپو می کند و بعد می فروشد. کار با کارتن خواب ها خوب است، تو در دفتر نشسته ای و آن ها برایت ضایعات می آورند. یکی دو کارگر هم می گیری تا برایت زباله ها را تفکیک کنند. تو هم دست در جیب می کنی و بر کار نظارت می کنی. اول این کار با لاواییین دارد، اما نگران نباش و نترس، کم کم به سود می رسد. هر چه پول تزریق کنی، کم است. اگر بتوانی با شرکت ها و ادارات که وسایلشان را به مزایده می گذارند، ارتباط برقرار کنی، بارت راسته ای.

به نظر تان خوب است در همین محله خلیج مکانی اجاره کنم؟ ضایعاتی های بسیاری در اینجا مشغول کارند.

خانه مسکونی اجاره نکن، چون همسایه ها شاکی می شوند و در سر دارد. یک روز از شهرداری می آیند و یک روز از اداره بهداشت. جاده مهرآباد، روستای ده غیبی یار باطریق بهتر است. ریاضی ۴۴ به بالا هم همه ضایعاتی هستند، اما آن ها انبارهای بزرگی دارند که به کسی اجاره نمی دهند، چه برسد به شما که تازه کار هستید.

پس چرا این همه ضایعاتی در خیابان خلیج است؟

بیشترشان غیر مجازند. پارسال دم عید پلمبشان کردند. شهرداری پلمب می کند، این ها پس از مدتی بازمی کنند. نهایتش تورا می برند دادگاه. این هم مشکلی نیست، می گویی «بدبختم و بیچاره ام، اینجا

● گفت و گو تلفنی با آقای ر. م.

ر. م. یکی دیگر از افرادی است که همکاران را راهنمایی می کند. او در این تماس تلفنی می گوید: این حرفه رقابتی است. اگر هشت سال پیش با ۶ میلیون می شد کار را شروع کرد، اکنون با ۲۰۰ میلیون تومان باید کار را دست بگیرد. بهتر است جنس در هم را از زباله گرد ها بخرد و بدھد تفکیک کنند. نکته قابل توجهی که او به آن اشاره می کند، فعالیت های این صنف در فضای مجازی است. به طور مثال فرد در دیوار آگهی می دهد. شهروندان که می خواهند وسایل کهنه انباری شان یا هر چیزی را بفروشند، آن ها این وسایل را می خرند و با قیمتی بیشتر به ضایعاتی ها می فروشند، بدون آنکه مکانی برای دپو ضایعات داشته باشند یا بخواهند کار خاصی انجام دهند.

سودی که همه را و سه می کند

به سراغ هر کدامشان می رویم، خبری از زباله یابوی نامطبوع نیست. بیشتر آن ها کار را به کارگران غیر ایرانی سپرده اند تا ضایعات را برایشان دسته بندی کنند. این کاری شباهت به کار دیگر دلان نیست، جنس را از یک نفر می خرند و پس از مدتی به فرد دیگری با سود بیشتر می فروشند. با شماره هایی که در دیوار ثبت شده است، تماس می گیریم؛ اغلبشان از اتباع هستند و هر کدام یک نرخ برای خرید می دهند. وقتی اصرار ما را در قیمت گذاری می بینند، توضیح می دهند که در هر نوع ضایعات، کیلویی هزار تومان سود می کنند.

